

مثلاً یک گروه شعر و شاعری در حوزه هنری داشتیم، خود من عضوش بودم؛ قیصرامین پور، ساعد باقری، عزیزی، عبدالملکیان، مرحوم سیدحسن حسینی و مرحوم سلمان هراتی هم بودند.

چون توی حوزه این شکل گرفته بود، همه این‌ها آدم‌های ارزشی بار آمدند. ببینید چه اثری داشت. مثلاً در بازیگرها کسانی چون جعفر دهقان و ... این‌ها همه از حوزه آمدند. چرا این‌ها خوب باقی ماندند؟ اگر این گروه‌های هنری به صورت گسترده شکل بگیرد، و خودشان، خودشان را حفظ بکنند، یعنی اول از یک جایی این‌ها حمایت بشوند، بعد از اینکه حمایت شدند، بگذارند خود این‌ها نان خودشان را در بیاورند؛ آن وقت سینمای ما از گروه‌های ارزشی تغذیه می‌شود، شعر ما تغذیه می‌شود، اما اگر کار این گروه‌ها ادامه پیدا نکند چه اتفاقی می‌افتد؟ شما ببینید کتاب‌هایی که الان در ارشاد چاپ می‌شود، چه کتاب‌هایی است در شعر و شاعری. من نمی‌خواهم اسم بیاورم. الان بچه‌های ارزشی ما فقط غرغر می‌کنند. کار ما شده فقط همین. همه‌اش می‌گویم وای دارد فرهنگ ما سقوط می‌کند، اما خودمان هیچ قدمی بر نمی‌داریم؛ خب این غلط است. من به آقای سلحشور یک جایی تبریک می‌گویم، آنجایی که آمد یک فیلم بسازد، گفت من فقط از بچه‌های ارزشی استفاده می‌کنم و این کار را کرد. خوشحالم این یک گروه تشکیل شد، اما کم است.

• به نظر شما در این مسیر چه مشکلات و سنگ اندازی‌هایی وجود دارد؟

- می‌خواهم بگویم که متأسفانه نیروهایی که اتفاقاً همکار ما هستند، این گونه برخورد می‌کنند. مثال می‌زنم: شما الان در تلویزیون رییس گروهی می‌توانید پیدا بکنید که ارزشی نباشد؟ نمی‌توانید پیدا بکنید. همه آن‌ها آدم‌های معتقد و خوبی هستند. حتی یک نفر هم نمی‌توانید پیدا بکنید، اما آیا این آدم‌های معتقد با آدم‌های معتقد کار می‌کنند؟ شما هیچ می‌دانید در تلویزیون خیلی از این آدم‌ها دور به بچه مذهبی‌ها نمی‌دهند. مشکل ما از خود ماست.

آیا تلویزیون نمی‌تواند سریال‌هایش را بدهد به فلان کارگردان متعهد، بسازد؟ کم داریم تهیه‌کننده مذهبی؟ می‌خواهم بپرسم آیا ارشاد نمی‌تواند حمایت بکند از تهیه‌کننده‌های مذهبی تا سینمای ما مبدل به سینمای دینی بشود؟ نمی‌خواهیم پول در اختیار بگذارند، فقط حمایت کنند. آیا تلویزیون نمی‌تواند به جای دور دادن به قصه‌های هر شب که پخش می‌شود، یک جایی باز کند تا مثلاً داستان راستان حکایت شود؟ آیا بهتر نیست به جای خزعلاتی که هیچ سودی به جز یک لجن‌دانه شبانه ندارد، داستان راستان شهید مطهری (ره) را بردارید و هر شب یک قصه از آن را پخش کنید؟

• خُب، حالا که از نظر شما به بچه‌های ارزشی میدان نمی‌دهند، آنها برای کار کردن باید چه کنند؟

- باید میدان بگیرند. من نمی‌دانم چطور، نمی‌خواهم مقایسه کنم، اما مگر به امام حسین (ع) میدان دادند؟ امام حسین (ع) خودش در میدان آمد و میدان گرفت. طوری میدان گرفت که بعد از هزار و چهارصد سال من و تو خودمان را برایش می‌کشیم. خلاصه کلام، باید بسیجی بود. همه دنیا می‌گویند بسیجی کی هست، بسیجی چی هست، امروز هم روز میدان گرفتن است. باید با بدبختی میدان گرفت. باید در وادی هنر، پشت درب‌های بسته گروه‌های مختلف تلویزیونی آن قدر بشنیم، تا درب را بر روی ما باز کنند. در ارشاد برای پروانه نمایش گرفتن، آن قدر باید بشنیم تا پروانه نمایش را بدهند. راهش

دوتا از آن‌ها را نام ببرم، خیلی با جرات، چون خیلی دوستشان دارم. مثلاً آقای جمال شورجه آن ریشه را دارد، ولی چرا باید جمال شورجه به جایی برسد که فراموش بکند ما بازیگرهایی در این مملکت داریم که این بازیگرها از بُعد مادی با مشکلات زیادی روبرو هستند. خیلی بچه‌های ارزشی و خوبی هم هستند، از بعد معنوی خیلی جلوتر از آدم‌هایی هستند که در سریال‌های اخیر، یا فیلم‌های سینمایی ایشان بازی کرده‌اند. یا آقای حاتم‌کیا، یادم هست روزی ایشان از نماز جمعه بازیگر انتخاب می‌کرد، من نمی‌گویم این درست است یا نه، دارم سابقه را عرض می‌کنم. کسی که برای «دیدهبان» از نماز جمعه بازیگر انتخاب کرد، برای فیلم «مهاجر» خانمی را از نماز جمعه انتخاب کرد، اما بعدها سراغ بازیگرانی دیگر رفت، هرچند که خودش در مصاحبه‌هایش گفته بود، من عمداً بازیگری را انتخاب می‌کنم که بکر و ارزشی باشد.

چرا این‌ها اصلشان را فراموش کردند؟ من این انتقاد را به این دوستان دارم و تا ابد هم خواهم داشت و صد البته این انتقاد به خود من هم وقتی کارگردان شدم وارد است. ولی من پیدا نکردم، چون وقتی کسی که سراغ بازیگران ارزشی نرفت، بر اثر عدم توجه و فاصله افتادن میان ما و آن‌ها انگار که ریشه آن‌ها کنده شده؛ یعنی کسی که در «دیدهبان» بازی کرد، همان یک فیلم را بازی کرده و تمام شد.

اما انتقاد دوم من، از آدم‌های ارزشی است که در هنر اهل فن نیستند. من عرض می‌کنم آقایان! هنر دریایی است که نمی‌توان در آن آب‌تنی کرد، باید در آن شنا کرد. برای همین، از این قافله عقب می‌افتند؛ آدم‌های ارزشی به این عرض بنده توجه کنند. انتقاد من از آن آدم‌های ارزشی است که وارد عرصه هنر نشدند و به امثال آقای شورجه و آقای حاتم‌کیا دست ندادند و نتوانستند استعدادهایشان را آن قدر بروز بدهند که آقای حاتم‌کیا به جای فلان کس بیاید آن‌ها را انتخاب بکند. چون خودم هم وقتی وارد عرصه کارگردانی شدم، آمدم دستم را گذاشتم زیر چانه‌ام، گفتم خب من بیایم از میان آدم‌های ارزشی انتخاب بکنم اما دیدم. کسی را که تلویزیون قبولش بکند و حداقل شرایط بازیگری را داشته باشد، پیدا نمی‌شود. جالب است بدانید رئیس سابق صدا و سیما رفته بودند قم، به آقایان علما گفته بودند شما که می‌گویید چرا ما از خانم‌های محجبه استفاده نمی‌کنیم، آیا اصلاً خانم‌های محجبه وارد این عرصه می‌شوند؟ شما خودتان دخترانتان را می‌فرستید؟ من خودم به عنوان سیدجواد هاشمی به دخترم اجازه نمی‌دهم وارد این عرصه شود، چون عرصه فرهنگی کشور ما متأسفانه شبیه یک باتلاق است و دختر من نمی‌تواند نجات دهنده این عرصه فرهنگی باشد، بلکه خودش در این باتلاق فرو خواهد رفت، به خاطر همین، جرات این کار را ندارم.

• این‌ها که گفتید چالش‌های سینمای ارزشی از نظر شما بود، این صورت مسأله است، راه حل چیست؟

- به اعتقاد من تشکیل گروه‌های هنری راه حل مناسبی است. هرچند که طول می‌کشد و زمان می‌برد. گروه به معنای تیم‌های هنری مختلف است. پیشنهاد من تشکیل تیم‌های هنری مختلف توسط آدم‌های ارزشی است.

مثلاً ما در دانشگاه بگردیم دنبال آدم‌هایی که معتقدند، ولی امکانات ندارند. آن‌ها را در قالب یک گروه هنری ساماندهی کنیم، آموزش بدهیم و در واقع برای آینده تربیت کنیم.

در اوایل انقلاب در حوزه هنری چندتا از این گروه‌ها تشکیل شد که هنوز هم الحمدلله اثراتش ادامه دارد.



• خودتان را برای مخاطبان مجله دیدار آشنا معرفی کنید.

- سیدجواد هاشمی، متولد ۱۳۴۴، دارای دو فرزند به نام‌های فاطمه و محسن، فارغ‌التحصیل رشته کارگردانی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران هستم. اولین کار هنری جدی‌ام را در سال ۱۳۵۸ در سن چهارده سالگی به عنوان یک بازیگر نوجوان در «حج ابراهیم، حج عاشورا» که در مورد حماسه عاشورا و حج ابراهیمی و پیوند این دو واقعه بزرگ تاریخی بود، شروع کردم. اولین حضورم در سینما در عرصه دفاع مقدس با فیلم «پرواز در شب» کار آقای رسول ملاقلی‌پور بود و اولین حضورم در تلویزیون باز در عرصه دفاع مقدس و ایفای نقش شهید کشوری در کاری به نام «سیمرغ» بود. آخرین حضورم در تلویزیون در سریال «دولت عشق» در نقش شهید رجایی بود. آخرین کار هنری که نویسندگی و کارگردانی آن را به عهده داشتم، فیلم سینمایی «دوئت» است که هنوز اکران نشده و در مرحله تدوین و ساخت موسیقی و صداگذاری است.

• تعریف شما از یک هنرمند ارزشی در حال حاضر چیست؟

- من فکر می‌کنم قضیه ارزش‌ها بر می‌گردد به ریشه‌ها. اگر می‌بینید تعداد هنرمندان ارزشی خیلی نیست، به این معنا نیست که ما هنرمند مسلمان کم داریم، تخیر، ما هنرمند مسلمان به وفور داریم، یعنی معتقد هنرمندان ما مسلمان هستند و همه قابل احترام؛ اگر در راستای اهداف نظام جمهوری اسلامی قدم بر می‌دارند. همه هنرمندان ما که زیر سقف و چتر جمهوری اسلامی در حال انجام کار هنری هستند، محترمند. اما اینکه کدام یک از هنرمندان ارزشی باشند، بر می‌گردد به ریشه‌هایشان، باید نگاه کنیم به خانواده آدم‌ها و اینکه چگونه بزرگ شده‌اند و اینکه این‌ها چگونه با اسلام و دین و مذهب آشنایی پیدا کرده‌اند. از این گونه هنرمندان خیلی داریم. ما بازیگرهایی خیلی خوب مذهبی و ارزشی داریم که البته کم گل کردند. اجازه دهید از فرصت استفاده کنم. من یک گله از هنرمندان ارزشی دارم. روزی را یادم هست پنج شش نفر از همین‌ها که امروز هم دارند فیلم می‌سازند، می‌گفتند: هیچ وقت سینمای ارزشی را فراموش نمی‌کنیم، دست بدهیم یا هم، یادمان باشد آدم‌هایی را بیاوریم که ارزشی باشند. متأسفم برای آن آدم‌های ارزشی که آن روز قول دادند و امروز به بچه‌های ارزشی در زمینه هنری میدان نمی‌دهند. کارگردانی را می‌شناسم که آن روز قول داد و امروز سراغ بازیگر غیر معتقد، می‌رود. خیلی راحت سراغ کسانی می‌رود که خودش با آن‌ها مشکل دارد؛ متأسفم، اجازه بدهید یکی

فط پیوند گفت‌و‌گو

محمد کاظم اطمینان

این‌ها را چاپ کنید؟! جزوات دارید

گفتگو با سید جواد هاشمی... بازگو و کارگردان سینما و تلویزیون

آلّا در تاریخ سینمای ایران، پرفروش‌ترین فیلم‌های بعد از انقلاب فیلم‌های جنگی بود. مثلاً «عقاب‌ها» یک فیلم جنگی بود، همین‌طور «کاتی مانگا» این‌ها در زمان خودشان پرفروش‌ترین فیلم‌ها بودند. «از کرخه تا راین»، «از انس شیشه‌ای»، «لیلی با من است»، چند تا مثال بزنم؟ کسی جرأت ندارد بگوید سینمای دفاع مقدس پرفروش نیست. بله، «مرد عوضی» هم بیشترین فروش را داشت، ولی در زمان «مرد عوضی»، «از انس شیشه‌ای» نبود. اگر «از انس شیشه‌ای» بود، باور کنید مردم آن را بیشتر می‌پسندیدند.

- خود شما چندسال جبهه بودید؟
- دوسال و یک ماه
- مجروحیت؟
- یک ترکش دارم توی تنم. چرا این‌ها را می‌پرسید؟
- کدام لشکر؟
- در لشکرهای مختلف بودم، اما بیشتر در لشکر حضرت رسول (ص) بودم.
- از کارهایی که تا حالا انجام نداده‌اید و دوست دارید انجام بدهید:
- امام حسین (ع) را یاری نکردم.
- یک آرزوی برآورده شده:
- لطف مردم شاملم است به لطف خدا
- آیا شهادت برای شما دست یافتنی است؟
- الکیش آره، چون هفده بار شهید شدم!
- اگر والدین شما شیعه نبودند، شیعه می‌شدید؟
- حتماً
- کدام زیارت‌نامه و دعا را بیشتر دوست دارید؟
- زیارت‌نامه حضرت رضا (ع) و دعای کمیل
- نشانه‌ا‌ف‌ن دخول دادن امام رضا (ع) چه می‌دانید؟
- اشک
- کدام شخصیت در طول تاریخ، بیشترین تأثیر را روی شما داشته است؟
- امام علی (ع)

- یک بیت شعر برای ما بگویید:
- هشدار! گمان بی‌بازی نکنی
با رنگ و درنگ، چهره‌سازی نکنی
حیثیت انقلاب، خون شهادت
با حرمت انقلاب، بازی نکنی
- برخوردتان با مزاحم تلفنی چه جور است؟
- با آرامش قطع می‌کنم
- چقدر اهل شوخی هستید؟
- خیلی فراوان
- یک شوخی با زندگی را بگویید:
- زنده بودن
- یک وظیفه همگانی:
- حراست از دین
- منفورترین انسان نزد شما:
- کسی که خودش را مسلمان بداند، ولی نباشد.
- یک جمله هم با امام زمان (عج) ... عرض ارادت:
- می‌دونم صدام می‌شنوی آجای
گفتی منتظر بشم یه روز می‌ای
- اسم امام حسین (ع) را که می‌شنوید، چه حالتی پیدا می‌کنید؟
- بیشتر هیجان و حماسه.
- اهل ورزش هستید؟
- بله
- چه ورزشی؟
- فعلاً در تیم فوتبال هنرمندان هستم، ولی پینگ پنگ را هم دوست دارم.
- ورزشکار مورد علاقه شما؟
- زین‌الدین زیدان
- از این که قبول کردید با ما مصاحبه کنید، پشیمان نیستید؟
- خیلی خوشحالم.
- حرف آخر:
- خیلی مخلصیم!

خودشان را مظلوم جلوه می‌دهند. مگر ما عرضه نداریم، مگر ما بلد نیستیم، می‌خواهم بگویم در دفاع مقدس ما همه جور سوز و وجود داشت، سوز عشق، عاطفه، آن چیزی که امروز می‌گویند باید در سینماهای ما باشد، سوزهای کدبی است که در دفاع مقدس یک فیلم بیشتر از آن نساختند: «لیلی با من است». مگر ما سوزهای عشقی کم داشتیم، همه موضوعی در دفاع مقدس ما به وفور دیده می‌شد. بی‌لطفی دیگری هم که به سینمای دفاع مقدس شده است، این است که سپاه که باید متولی هنر دفاع مقدس باشد، از گروه‌های هنری که می‌خواهند فیلم جنگی بسازند پول می‌گیرد. عوض اینکه پول بدهد، می‌گوید باید پول بدهید تا به شما تانک و مهمات بدهیم، سپاه را به طور مثال گفتم، متأسفانه برای اینکه فیلم جنگی ساخته شود تهیه‌کننده به سئو می‌آید. عوض اینکه دست به دست هم دهیم، هی دست‌هایمان چنای می‌شود. خوب معلوم است که تهیه‌کننده خصوصی سراغ فیلم جنگی نمی‌رود. مگر دیوانه است دوستان میلیون پول تجهیزات نظامی بدهد. بعد این فیلم در سینما صد میلیون هم فروش نکند. وقتی به تهیه‌کننده بگویند ما اسلحه می‌دهیم، گلوله و تانک می‌دهیم، شهرک سینمایی دفاع مقدس را مجانی در اختیار تو می‌گذاریم، صدا و سیما بگوید من بازگر شما را تأمین می‌کنم، وقتی همه دست‌ها یک دست شدند و این یک دست بیاید در سینما، صدتا فیلم دفاع مقدس پرفروش می‌توان ساخت. متأسفانه ما در بازی‌های سیاسی همه چیزمان را از دست دادیم. ارشاد با سپاه لج می‌کند، سپاه با ارشاد لج می‌کند، جرأت دارید این‌ها را چاپ کنید؟ صدا و سیما می‌گوید من ارشاد را قبول ندارم. ارشاد می‌گوید من صدا و سیما را قبول ندارم. همه هم می‌گویند ما دوست داریم فیلم جنگی ساخته شود اما این‌ها به هم یک دست دوستی نمی‌دهند. بنابراین، هیچ وقت فرهنگ ما رشد نمی‌کند. چون هم‌ما‌ش در بازی‌های سیاسی خرد و خمیر می‌شویم. به همین دلایل مسلماً به نتیجه‌ای نمی‌رسیم و

فقط همین است و من معتقدم هیچ‌کس نمی‌تواند جلو ما را بگیرد.

• به عنوان یک بازیگر سینمای دفاع مقدس فکر می‌کنید در حق دفاع مقدس و فیلم‌های آن اجحاف نشده؟ آیا حق مطلب ادا شده؟

- من امید داشتم حداقل فیلم‌های دفاع مقدس مثل فیلم‌هایی که کشور آلمان ساخته و هنوز دارد می‌سازد باشد. چرا؟ چون در آن یک سوزهایی پیدا کردند مواردی غیرمستقیم از مسائل جنگ مثل عاطفه یا مسائل اعتقادی که در لای طرح یک فیلم جنگی یک تأثیر دیگری بگذارد. فیلم‌های جنگی لهستانی اکثراً عاطفی است. من متأسفم که اینجا باید از محاسن دشمن یاد کنم. از آن طرف صهیونیست‌ها می‌آیند از حربۀ جنگ سوء استفاده می‌کنند، در فیلم‌هایشان از بُعد خنونت آلمانی‌ها استفاده می‌کنند و